

بررسی شیوه‌های غلو در شعر آیینی فارسی با موضوعیت اوصاف امام علی (ع)

ابراهیم واشقانی فراهانی^{۱*} میثم اکبرزاده^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲- گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

سال هفدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۵، صص ۲۰-۱

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.17.7246

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: غلو در معنی بزرگ‌مایی پدیده‌ها بداندان که عقل امکان آن را نپذیرد، یکی از شیوه‌های مهم بیان بشری است. غلو در شعر، حضور گسترده دارد و به آن زیبایی و قدرت تأثیر میبخشد، اما هنگامی که شعر میباید در افزودن بر زیبایی و تأثیرگذاری، حاوی دقت و حامل حقیقت باشد، غلو میتواند به آفت آن مبدل شود. یکی از عرصه‌های حضور گسترده غلو در شعر فارسی، شعر آیینی است، اما غلو در این گونه بارور شعر فارسی، خالی از آسیب هم نبوده‌است. هرچند که غلو در شعر آیینی فارسی، ریشه در عشق و علاقه سرایندگانشان به انبیا و ائمه (ع) دارد، اما گاه عشق و علاقه به دور از آگاهی، منجر به غلوهای منافی حرمت والای آن وجودهای گرمی میشود و به صحت باورهای عامه باورمندان نیز آسیب میزند. هدف مقاله حاضر، بررسی ماهیت غلو و تبیین شیوه‌ها و شعب آن در شعر آیینی فارسی با تکیه بر غلو در اوصاف امام علی (ع) است.

روشها: روش بررسی در مقاله حاضر، ترکیبی از دو روش توصیفی و تحلیلی است. نخست به توصیف ماهیت غلو و گونه‌ها و شیوه‌های آن و تبیین نگاه دین اسلام، پیامبر (ص)، ائمه اطهار (ع) و علما درباره غلو پرداخته میشود. سپس شیوه‌های غلو در شعر آیین فارسی تحلیل میگردد. دایره موضوعی بررسی نیز اوصاف امام علی (ع) در دیوانها، جنگها، مجموعه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی شعر فارسی است.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش، گویای حضور وسیع غلو در شعر آیینی فارسی و بویژه در اوصاف امام علی (ع) است.

نتیجه‌گیری: حضور غلو در شعر آیینی فارسی، به شیوه‌های متنوعی چون خدای انگاری، تفویض، اباحه‌گری، خوارداشت و شیوه‌های دیگر است که گاه در درجات خفیف است و گاه به درجات شدیدی میرسد. این غلوها گاه الحادیند، اما گاه تنها حاوی درجاتی از انحراف عقیده‌اند. نیز غلوها گاه موجب تعظیم و تکریم هستند، اما گاه نه تنها حاوی هیچ حسنی نیستند، بلکه از سنخ نقض غرضند.

تاریخ دریافت: ۰۱ اردیبهشت ۱۴۰۲
تاریخ داوری: ۰۲ خرداد ۱۴۰۲
تاریخ اصلاح: ۱۷ خرداد ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۰۳ مرداد ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

غلو، امام علی (ع)، شعر آیینی، خدای انگاری، تفویض، اباحه‌گری.

* نویسنده مسئول:

vasheghani1353@pnu.ac.ir

(+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Examining the methods of exaggeration in Persian ritual poetry with the theme of the attributes of Imam Ali (AS)

E. Vasheghani Farahani*¹, M. Akbarzadeh²

1- Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

2- Department of Theology, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 21 'April 2023

Reviewed: 23 May 2023

Revised: 07 June 2023

Accepted: 25 July 2023

KEYWORDS

Gholu, Imam Ali (a.s.), ritual poetry, deification, delegitimization, blasphemy.

*Corresponding Author

✉ vasheghani1353@pnu.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Exaggeration, in the sense of exaggerating phenomena in such a way that reason does not accept its possibility, is one of the important ways of human expression. Exaggeration has a wide presence in poetry and gives it beauty and power, but when poetry should contain accuracy and convey truth in addition to beauty and impact, exaggeration can turn into its bane. One of the fields of Gholu's extensive presence in Persian poetry is ritual poetry, but Gholu was not free of harm in this fertile type of Persian poetry. Although the exaggeration in Persian ritual poetry is rooted in the love and interest of their composers for prophets and imams (pbuh), sometimes the love and interest far from awareness leads to exaggerations that contradict the high dignity of those cherished beings and the correctness of the common beliefs of believers. It damages The purpose of this article is to investigate the nature of hyperbole and explain its methods and branches in Persian ritual poetry, relying on hyperbole in the attributes of Imam Ali (AS).

METHODOLOGY: The research method in this article is a combination of descriptive and analytical methods. First, the description of the nature of gluttony, its types and methods, and the explanation of the views of Islam, the Prophet (PBUH), the Imams of Athar (AS) and scholars on gluttony are discussed. Then the methods of exaggeration in Persian poetry are analyzed. The subject area of the investigation is the attributes of Imam Ali (AS) in diwans, battles and collections of Persian poetry.

FINDINGS: The findings of this research show the wide presence of hypocrisy in Persian ritual poetry and especially in the attributes of Imam Ali (AS).

CONCLUSION: The presence of ghala in Persian ritual poetry is in various ways such as god-likeness, deification, abahahari, khorardash and other ways, which are sometimes in mild degrees and sometimes reach extreme degrees. These exaggerations are sometimes atheistic, but sometimes they contain only degrees of deviation. Also, the excesses sometimes cause bowing and honoring, but sometimes they not only do not contain any goodness, but also violate the Sankh.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.17.7246](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.17.7246)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 50	 0	 0

مقدمه

غلو، شیوه‌ای از بازنمایی پدیده‌هاست که مبتنی بر بزرگنمایی و ارتفاع بخشی در هر دو سوی مثبت یا منفی باشد. این پدیده تنها ویژگی زبانی و به تبع آن، ادبی نیست، بلکه جزئی از فرایندهای ذهنی و روانی بشر است و به همین سبب در بسیاری از دانشها مانند روانشناسی، معرفت‌شناسی، ادیان و عرفان، رجال، کلام و دیگر دانشها از آن بحث میشود، با این حال، حضور غلو در ادبیات، همواره آشکارتر و بیش از دیگر حوزه‌ها محل بحث بوده‌است، بگونه‌ای که غلو و همخانواده‌هایش یعنی مبالغه و اغراق، جزء جوهره ادبیات بویژه شعر انگاشته شده‌اند. نظامی عروضی، به هم زدن اندازه‌ها را جزء ذات شعر دانسته‌است: «شاعری صنعتی است که شاعر بدان صناعت اتساق مقدمات موهمه کند و التئام قیاسات منتجه بر آن وجه که معنی خرد را بزرگ گرداند و معنی بزرگ را خرد»... (چهار مقاله، مقالت دوم) و صاحب قابوسنامه نیز اساس شعر را مبالغه در تغییر حقایق میداند: «مبالغت دروغ در شعر، هنرست» (قابوسنامه، باب سی و پنجم). خطیب قزوینی بر آن است که شعر از مبالغه است که شعر میشود و تعبیری که از مبالغه می‌آورد، شامل غلو نیز هست (الایضاح فی علوم البلاغه، ج ۶: ۴۹). رادویانی نیز مبالغه را سخنی میداند که عقل در پذیرش آن مردّد باشد و بدین جهت، مبالغه در نگاه او همان غلو یا نزدیک به غلو است و شعر حاوی این ویژگی را اعذب میخواند (ترجمان البلاغه، فصل بیست و هفتم). نظامی گنجوی نیز بالاتر رفتن عیار شعر را در گرو ارتفاع بیشتر کذب میداند و به همین سبب، فرزندش محمد را از شاعری بازمیدارد:

در شعر مپیچ و در فن او چون اکذب اوست، احسن او
(لیلی و مجنون، دیپاچه)

نظر بدین نمونه‌ها و نمونه‌های بسیار دیگر که در سخن شاعران و منتقدان هست، میتوان گفت که بر هم زدن تعادل در نمایش پدیده‌ها، جزء ذاتی شعر دانسته میشود و بسختی میتوان شعری را فرض کرد که نسبتش با حقیقت اشیا، نسبت تساوی باشد و حتی این شگرد را جزء جادویی آفرینش شعر دانسته‌اند (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵، ۱۰۶). با این حال، ناگفته پیداست که زیاده‌روی در برهم زدن مقیاسها بگونه‌ای که حقیقت را یکسره پنهان سازد و مخاطب را به خطا اندازد و مبدل به گزافه‌گویی شود، ناستوده‌است و شاعران و منتقدانی که این پدیده را حسن شعر دانسته‌اند، از حد گذشتن و گزافه‌گویی را تقبیح کرده‌اند، چنانکه نظامی گنجوی، پسر خویش را به همین سبب از شاعری بازمیدارد (لیلی و مجنون، دیپاچه) و صاحب قابوسنامه نیز مینویسد: «در شعر دروغ گفتن از حد مبر، هر چند که مبالغت دروغ در شعر هنرست» (قابوسنامه، باب سی و پنجم) و علمای فن بدیع در اینباره بایی با عنوان مبالغه مقبوله و مبالغه نامقبوله گشوده‌اند و آن بزرگ‌نماییها و کوچک‌نماییها را که موجب گمراهی مخاطب شود و با اصول عقل، اخلاق و شرع، مصادمه داشته‌باشد، نامقبول دانسته‌اند (شمس‌العلماء، ۱۳۷۷: ۲۸۲).

بیان مسئله

شعر آیینی هرچند که عنوانی نوآمده است، اما گونه‌ای دیرینه در شعر فارسی است. شعر فارسی از نخستین سده‌های شکل‌گیری، میزبان انبوهی از شاعران توانمند مانند کسایی مروزی، حکیم فردوسی، ناصر خسرو، قوامی رازی، سنایی غزنوی و دیگران بود که به سرایش ارزشهای اسلامی، شیعی، انسانی و ایرانی میپرداختند. نوع آیینی را میتوان همراه همیشگی شعر فارسی تا به امروز دانست. در دوره معاصر نیز با پیروزی انقلاب اسلامی و سپس بروز جنگ تحمیلی و در پاسخ به نیاز زمانه، شعر آیینی گسترش چشمگیر یافت و هم به لحاظ تنوع و حجم سروده‌ها و هم به لحاظ تعداد شاعران، وارد یکی از پربارترین ادوار حیات خود شد. اما این همه‌گیری و فراوانی

خیره‌کننده شاعران و در سمت مقابل، همه‌گیری مخاطبان و فزونی یافتن بی‌سابقه خواهندگان شعر آیینی (اعم از مطبوعات، رسانه‌ها، منابر، مجالس و مراکز آموزشی)، نتایج یکسره مثبتی برای شعر آیینی به همراه نیاورد و این نوع ادبی را بیش از گذشته با برخی آسیب‌ها مواجه ساخت که از شمار این آسیب‌ها، غلو در معنای وسیعش (شامل هرگونه ارتفاع نامقبول اعم از خود غلو، اغراق و مبالغه) بود. گرم شدن هنگامه شعر آیینی از یک سو موجب روی آوردن انبوهی از شاعران نامجرب و ناآموخته به این حوزه شد و از سوی دیگر، موجب افزایش بی‌سابقه خواهندگان شد که اغلب بیش از انتظار انتقال حقایق، مطالبه ایجاد شور و حال بیشتر و بیشتر داشته‌اند. تلفیق این دو عامل موجب شد که شعر آیینی در کنار سروده‌های تندرست، آکنده از سروده‌هایی شود که نه تنها اوصاف حسن انبیا و ائمه (ع) و تبیین ارزش‌ها نیستند، بلکه با مسائلی بنیادینتر از قبیل توحید، حقایق آفرینش، مسلمات تاریخی و حتی اصول اولیه منطق تصادم پیدا کنند. در این مقاله با تعریف و توصیف پدیده غلو از دید ادبی و سپس از دیدگاه علوم دینی که فراتر از غلو، شامل اغراق و مبالغه نامقبول نیز می‌شود، به بررسی غلو در اوصاف امام علی (ع) در شعر آیینی فارسی پرداخته می‌شود و هدف، تبیین شیوه‌های غلو و درجاتش در اوصاف آن امام در گستره شعر آیینی فارسی است.

نمونه‌های شعری مورد استناد در این مقاله، استخراج شده از طیف متنوعی از منابع است. تعدادی از این منابع از نسخ دیوانهای شعر هستند، مانند دیوانهای حافظ شیرازی، وحشی بافقی، عرفی شیرازی، صغیر اصفهانی و شهریار تبریزی، اما نباید از یاد برد که حجم انبوهی از شعر آیینی فارسی، ارائه شده در منابعی غیر از دیوانهاست و از این جهت، افزون بر دیوانها، منابع دیگر از قبیل مجموعه‌ها، تذکره‌ها، جنگ‌ها و صفحات ادبی روزنامه‌ها مانند تذکره تحفه سامی، غزل مرثیه، چاوش عزا، قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، گنجینه معارف و روزنامه اطلاعات، جهت استخراج شواهد شعری، به کار گرفته شدند. همچنین در سالهای اخیر، شاهد شیوه‌ای تازه از ارائه شعر در بستر اینترنت و در قالب وبسایتها و وبلاگها هستیم که حتی سرائندگان مجموعه‌های از پیش منتشرشده کاغذی نیز برای انتشار آثار تازه خود به این بستر تازه، سهل و عمومیت‌ارائه روی آورده‌اند و از این لحاظ، پایگاه‌های اینترنتی نیز جهت استخراج نمونه‌های شعری، کاویده شدند.

پیشینه تحقیق

درباره غلو در عقاید دینی و بویژه در ادبیات دینی و آیینی و تبیین طرق و انواع غلو در این حوزه، تاکنون پژوهشهایی چند شده‌است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- شجری و عربشاهی کاشی (۱۴۰۱). «ردپای غلو در شعر آیینی شاعران فارسی‌سرا (از سده ششم تا معاصر با تأکید بر شاعران کاشانی». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*. شماره ۷۶. صص ۸۹-۱۱۶. دامنه زمانی این مقاله، گسترده است و به دوره معاصر نیز نگاهی دارد، اما تنها شامل شاعران کاشانی می‌شود.

- قبادی و مهدوی‌راد (۱۳۸۶). «بازشناسی اندیشه غلو». *مطالعات اسلامی*. شماره ۷۸. صص ۱۰۹-۱۴۶. این مقاله به آسیب‌شناسی غلو در باورهای دینی می‌پردازد و ریشه‌های این پدیده را در ملل باستانی ایران، روم، مصر، هند و ژاپن می‌کاود.

- توحیدی و متین نیکو. (۱۳۹۰). «نگاهی دیگر به مبحث غلو». *پژوهشنامه قرآن و حدیث*. شماره ۹. صص ۸۷-۱۰۴. این مقاله با تکیه بر موارد کاربرد واژه «غلو» و مشتقاتش در قرآن کریم و احادیث شریف، غلو در باورهای

دینی را اعم از غلو ادبی و شامل مبالغه و اغراق نیز میدانند و آن را هرگونه گزافه‌گویی و ارتفاع در باورهای دینی معرفی میکند. همچنین این مقاله به نقد مقاله‌ای دیگر در حوزه غلو می‌پردازد.

- وحیدزاده. (۱۳۹۲). «شعر آیینی عاشورایی و لغزشهای آن (با نگاهی به مجموعه دفاتر «غزل مرثیه» از انتشارات آرام دل)». کتاب نقد. شماره‌های ۶۷ و ۶۸، صص ۵۱-۸۶. این مقاله با تکیه بر مجموعه دفاتر موسوم به «غزل مرثیه» که در سالهای اخیر با موضوع اشعار آیینی سوگواری منتشر شده‌است، به بررسی آسیبهای شعر عاشورایی از جمله غلو پرداخته‌است.

- محمدزاده. (۱۳۹۲). «تحلیل اشعار عاشورایی عصر انقلاب اسلامی». کتاب نقد. شماره ۶۷ و ۶۸. این مقاله به نقد و بررسی اشعار عاشورایی فارسی در ادوار مختلف و در سطوح گوناگون صوری و محتوایی می‌پردازد و در سطح محتوایی، آسیبهای این گونه شعری را بررسی میکند که یکی از آنها، تحریفات ناشی از غلو است. آثار پژوهشی فراوانی نیز به بررسی غلو در باورهای دینی و نحوه برخورد معصومان (ع) با این پدیده پرداخته‌اند که چون ارتباط مستقیمی با شعر ندارند، از ذکر آنها صرف‌نظر شد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

شعر علوی که از گونه‌های مهم شعر آیینی فارسی است، از دیرباز یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های آفرینش ادبی نزد شاعران پارسی‌گو بوده‌است. از این لحاظ بحث و بررسی درباره اوصاف امام علی (ع) در شعر آیینی، تبیین فصلی ارزشمند از ذوق و اندیشه ایرانیان است. همچنین غلو، پدیده‌ای بسیار مهم و شایسته بررسی در شعر فارسی است، زیرا از جهت مثبتش، موجب غنای شعر است و سوی منفیش، آسیبی است که باید شناخته شود و از آن پرهیز شود. بدین سبب، بررسی غلو اوصاف امام علی (ع) در شعر آیینی فارسی، موضوعی است که دارای اهمیت و ضرورت بسیار است.

بحث

غلو در لغت

«غُلُو» در زبان فارسی، واژه‌ای است دخیل از زبان عربی. این واژه در زبان عربی، در معنای فراتر رفتن از اندازه و تجاوز از حد به کار میرود (لسان العرب، ذیل «غلو»؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ذیل «غلو»). نیز هرگونه «ارتفاع» یعنی بالاتر رفتن از حد معمول پدیده‌ها را غلو نامیده‌اند، چنانکه غالیان و اهل غلو را اهل ارتفاع و مرتفع‌القول خوانده‌اند (عیون اخبار الرضا، ج ۱: ۲۱۷) و ارتفاع دادن و بلند کردن دست را به هنگام کمان کشیدن و تیر انداختن، غلو می‌خوانند (شرتونی، ۱۳۷۷: ذیل «غلو»). در زبان فارسی نیز واژه غلو هم‌سو با اصل عربی به معنای گذشتن از حد و گزافکاری و مبالغه و زیاده‌روی به کار میرود (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «غلو»).

غلو در علوم ادبی

غلو از شگردهای آفرینش ادبی است. تعریف غلو در علوم ادبی، هم‌سو با معنای لغوی این واژه است. هرچند که در جزئیات تعریف غلو و تعیین مرزهای آن با دیگر هم‌خانواده‌هایش یعنی تبلیغ، مبالغه و اغراق در آرای ادبا و منتقدان، تفاوتها و اختلافهایی هست، اما در مجموع، غلو، اشد درجات مبالغه دانسته شده در حدی که عقل، امکان آن را نپذیرد.

همایی، مبالغه و اغراق را یکی میدانند و آن را گذشتن از حد عادت معمول در توصیف پدیده‌ها بگونه‌ای که موجب شگفتی مخاطب شود، تعریف میکند (همایی، ۱۳۸۹: ۱۷۱) و سپس غلو را شدیدترین درجه مبالغه در توصیف پدیده‌ها میخواند بگونه‌ای که عقل نتواند آن را تصدیق کند: «هرگاه اغراق و مبالغه را به درجه‌ای رسانده باشند که در عقل و عادت ممکن و باورکردنی نباشد، آن را غلو میگویند» (همان). خطیب قزوینی نیز مبالغه را اصل دانسته و آن را بر سه درجه تبلیغ، اغراق و غلو بخش کرده‌است و غلو را اشد درجات مبالغه و ادعا کردن صفتی دانسته‌است که ممکن نباشد (الایضاح فی علوم البلاغه، ج ۶: ۴۹). رادویانی نیز در مبحث اغراق، آن را توصیفی دانسته‌است که عقل نپذیرد و در تصدیق کردنش مردّد باشد (ترجمان البلاغه، فصل بیست و هفتم) و بدین ترتیب، اغراق را با غلو در نگاه دیگران، یکی دانسته‌است و البته در نگاه خطیب قزوینی هم که پیش از این نقل شد، هرچند که میان درجات تبلیغ، اغراق و غلو، تفکیک شده‌است، اما تفاوت اغراق با غلو چندان آشکار نیست و هر دو، توصیف امور در حدی هستند که عقل، امکان آنها را نپذیرد. در مقابل این آراء، مدنی شیرازی میان مبالغه، اغراق و غلو تفکیک آشکار و روشمند قائل شده‌است و مینویسد: «مبالغه فروتر از اغراق است و اغراق فروتر از غلو، زیرا در مبالغه (صفت مورد ادعا) هم به عقل و هم به عادت امکان دارد و در اغراق عقلاً ممکن است، اما به عادت ممکن نیست، ولی در غلو، محال است هم از نظر عقل و هم از نظر عادت» (انوار الربیع، غلو).

ادیبان و شاعران، غلو و هم‌خانواده‌هایش را با هر تعریف و به هر درجه‌ای که که برایشان برشمرده‌اند، موجب حسن شعر و بلکه جوهره شاعری دانسته‌اند (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵، ۱۰۶؛ ترجمان البلاغه، فصل بیست و هفتم؛ قابوسنامه، باب سی و پنجم؛ چهار مقاله، مقالات دوم، لیلی و مجنون، دیباچه؛ انوار الربیع، غلو) و رادویانی بروشنی و زیبایی در اینبار میگوید: «الشعر، اکذبه اعذبه، کی از شعر آنچه به دروغتر، بافروغتر» (ترجمان البلاغه، فصل بیست و هفتم)، با این حال، بیشتر ادبا و منتقدان، هریک به تعبیری و در درجه‌ای، غلو مشتمل بر گزافه‌گویی و موجب گمراهی را تقبیح کرده و مردود دانسته‌اند بویژه اگر با شرع در تضاد باشد (انوار الربیع، غلو).

غلو در علوم اسلامی

پدیده غلو در بسیاری از دانشهای موسوم به علوم اسلامی مانند حدیث، رجال، تفسیر، کلام و ملل و نحل مورد توجه و بحث بوده‌است و اصحاب هریک از این دانشها از زاویه دید خویش و به تناسب مقضیات دانشی که بدان پرداخته‌اند، به پدیده غلو نگریسته‌اند و تعاریفی از غلو ارائه کرده و حدودی برای مقبول و نامقبولش تعیین کرده‌اند. غلو در آرای این دسته از علما لزوماً در معنی غلو رایج در علوم ادبی یعنی اشد درجات مبالغه نیست و هرگونه کذب و گزافه‌گویی مبتنی بر زیاده‌روی در توصیف را شامل میشود. نخستین اشارات به غلو و نهی از آن در خود قرآن کریم و در تقبیح گزافه‌گوییهای یهود و نصارا درباره عزیز و عیسی (ع) (نساء: ۱۷۱؛ مانده: ۷۷) بروز میکند. این آیات، افزون بر آنکه نخستین اشارات به غلو در تاریخ اسلام هستند، نشانگر آنند که آفت غلو، گریبانگیر دیگر ادیان نیز بوده‌است. همچنین در احادیث رسول مکرم اسلام (ص) (مسند، ج ۳: ۳۸۷) و حضرت علی (ع) (بحار الانوار، ج ۲۵: ۲۷۰) نیز به غلو اشاره شده‌است.

احتمالاً نخستین غلو در دین اسلام، در لحظه وفات پیامبر اسلام (ص) و با انکار مرگ آن حضرت و باور به غیبت کردن ایشان رخ داده‌است (شرح نهج البلاغه، ج ۱: ۱۲۸). انکار مرگ اشخاص و باور به غیبت کردنشان، مبنای بسیاری از عقاید غالبانه در میان مسلمانان بود (فرق الشیعه: ۹۳) و اندک‌اندک به باور ابدیت و درنهایت الوهیت برخی افراد تغییر شکل داد و در این فرایند، شیعه و سنی با هم مشارک بودند و چنین غلوهای تخصیص به

شیعیان نداشت، چنانکه فرقهٔ ابومسلمیه، ابومسلم خراسانی را نبی مرسل و منصور دوانیقی را خدا میدانستند که به ابومسلم، رسالت داده‌است و فرقهٔ راوندیه نیز منصور را خدا میدانستند (همان: ۶۱، ۶۲). هرچند که بیشتر، شیعیان به غلو شهرت دارند، اما برخی از علما بر آنند که غلو در میان اهل سنت پیش از شیعیان بروز کرد (شیبی، ۱۹۸۲: ۱۲۱، ۱۲۲). غلو در میان مسلمانان با گذر زمان گسترش بسیار یافت و به شیوه‌های متنوع درآمد و از اسناد سراسر است و مستقیم الوهیت به انسانها و خداانگاری آنان، به شیوه‌های پیچیده‌تر و فلسفی مانند تفویض، تشبیه، تجسیم، حلول، تأویل، اباحه‌گری، تناسخ و دیگر گونه‌های غلو تغییر یافت و تنها مشتمل بر ارتفاع در سوی مثبت نیز نبود، بلکه تنزل در سمت منفی و غلو در خوارداشت و ذکر مساوی را نیز شامل میشد. آغاز این گسترش و گونه‌گونی شدید، بیشتر از اوایل سدهٔ دوم هجری و با گسترش یافتن سریع جمعیت مسلمانان و گونه‌گون شدن اقوام و وسعت گرفتن جغرافیا و روایح یافتن علوم به تبع نهضت ترجمه رخ داد (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۶: ۳۰).

رویکرد اسلام و معصومان (ع) و علما به غلو

غلو به سبب اشتغال بر گزافه‌گویی و قلب حقایق و بر هم زدن اعتدال امور، مذموم دانسته شده، اما همهٔ غلوها لزوماً الحادی نیستند و برخی غلوها بی‌آنکه مستلزم الحاد باشند، تنها درجاتی از انحراف در عقیده و سخن مذموم را در خود دارند. قرآن کریم در نخستین ذکر غلو در اسلام، بصراحت مسلمانان را از غلوهایی که یهود و نصارا بدان آلوده بودند، بازمیدارد (نساء: ۱۷۱؛ مائده: ۷۷). پیامبر اسلامی نیز غلو در دین را نهی میکند و آن را مایهٔ هلاکت میداند (مسند، ج ۳: ۳۸۷)؛ اما نهی از غلو در احادیث ائمهٔ شیعه (ع)، با گونه‌هایی از پیچیدگی و با برخی قیده‌ها همراه است و این خروج از سادگی نهی را میتوان انعکاس گسترش و گونه‌گونی یافتن روزافزون غلو در میان مسلمانان دانست که از غلو ساده در خداانگاری و تفویض، به انواع غلوهای غیرالحادی و پیچیده با درجات شدید و خفیف مبدل شده‌بود. امام علی (ع) میفرماید: «لاتتجاوزوا بنا العبودیة ثم قولوا ماشئتم ولن تبلغوا وایاکم و الغلو کغلو النصارى فانی بری من الغالین» (بحار الانوار، ج ۲۵: ۲۷۴)؛ ما را از مرز عبودیت بالاتر نبرید، سپس هر آنچه خواستید (درباره ما) بگویید و دانید که (به آنچه ما استحقاق آن را داریم) نخواهید رسید و از غلو همانند غلو مسیحیان بپرهیزید که من از غالیان بیزار میباشم. نیز امام صادق (ع) در بخشی از خطاب خویش به اسماعیل بن عبدالعزیز که تمایلات غالیانه داشت، میفرماید: «یا اسماعیل لاترفع البناء فوق طاقته فینهم، اجعلونا مخلوقین و قولوا فینا ما شئتم فلن تبلغوا...» (بحار الانوار، ج ۲۵: ۹۲۷)؛ ای اسماعیل، ساختمان را بیش از تحملش بلند نسازید که منهدم خواهد شد. ما را مخلوق قرار بدهید و هر آنچه خواستید دربارهٔ ما بگویید و (بدانید که به آنچه مستحق آن هستیم) نخواهید رسید. از این احادیث استنباط میشود که تا آن برهه، افزون بر غلوهای الحادی، انواع متنوعی از توصیفات غلوآمیز رواج یافته بوده که لزوماً جنبهٔ الحادی نداشتند و هرچند که این احادیث شریف، جواز به غلو نیستند، اما در پی نهی فوری و شدیدتر غلوهای الحادی در برابر غلوهای غیرالحادیند و در هر حال، ائمه (ع) از غلوهای مشتمل بر فساد عقیده مانند آنچه نصارا داشتند، در هر درجه‌ای که باشد، بیزاری جسته و نهی کرده‌اند. با گسترش یافتن جامعهٔ اسلامی و رواج یافتن فلسفه و کلام در میان مسلمانان و پیچیده شدن نوع نگاه‌ها به امور، مبحث غلو نیز با نگاه‌های تازه‌تر و پیچیده‌تر نگریده شد و از جمله در میان علما و متکلمان، غلو به دو دستهٔ غلو ذاتی و غلو صفاتی بخش شد. غلو ذاتی در هر حال، مردود دانسته شد، زیرا غایت آن مستقیم یا غیرمستقیم، اسناد الوهیت به غیرخداست، اما غلو صفاتی دربارهٔ معصومان (ع) اگر منجر به فساد عقیده نشود، در نظر برخی علما و متکلمان نه تنها بدون ایراد دانسته شد، بلکه اگر کسی مرتکب چنین غلوی نشود، مقصر و اهل تقصیر انگاشته

میشد. معتقد و مروج اصلی این دیدگاه در تشیع را شیخ مفید دانسته‌اند و این دیدگاه در پاسخهای وی به شیخ صدوق که غلو در اوصاف معصومان (ع) را تقبیح میکرد، تبیین شده‌است (تصحیح الاعتقاد: ۱۳۵، ۱۳۶).

مهمترین شیوه‌های غلو درباره امام علی (ع) در شعر آیینی فارسی

غلو خداانگاری

خداانگاری به لحاظ ساختاری، ساده‌ترین و البته شدیدترین شیوه غلو در عقاید دینی است. خداانگاری، اسناد الوهیت به غیر خداست. در این شیوه از غلو، یکی از انسانها خدا یا شریک خدا و حتی گاه بالاتر از خدا انگاشته میشود. به سبب سادگی ماهیت این نوع غلو و در دسترس بودنش برای همه اذهان، در هر دو مذهب تشیع و تسنن، فرق متعددی براساس خداانگاری پدید آمده‌اند که از میان آنها میتوان به کیسانیه، راوندیه، ابومسلمیه، هاشمیه، رزامیه و دیگر فرقه‌های غلات اشاره کرد (فرق الشیعه: ۶۱، ۶۲). حدیث حضرت علی (ع) که مردم را از خدا دانستن خویش نهی میکند، نشانگر بروز خداانگاری درباره آن حضرت در همان زمان زندگانی وی است (بحار الانوار، ج ۲۵: ۲۷۴)، با این حال ظهور این گرایش بصورت یک جریان مشخص را در ربع نخست قرن دوم هجری و از انشعابات کیسانیه و درباره امام علی (ع) میدانند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۱). خداانگاری امام علی (ع) به حسب جزئیات، صورتهای و طرق فراوان دارد و نمونه‌هایش از شمار بیرون است، اما میتوان همگی را در دو دسته اصلی قرار داد:

خداانگاری براساس اوصاف شخص

بیشتر نمونه‌های خداانگاری امام علی (ع)، براساس اوصاف شخص و شخصیت خود آن حضرت است. در این دو بیت، حضرت علی و آل علی (ع) معبود دانسته شده‌اند:

ای دل فضایل اسدالله طاعت است	مدح علی و آل، شنیدن عبادت است
بودن به ذکر حیدر کرار یک نفس	حقاً که در مقابل صد سال طاعت است

(مستنبط، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۳)

در این دو بیت، امام علی (ع) حتی بالاتر از خدا دانسته شده‌است و تنها علت اینکه فعلاً او را خدا میدانند نه بیشتر، این است که هنوز بشر بدرستی اوج مقام او را نشناخته‌است:

در پس پرده نهان بودی و قومی به ضلالت	حرمت ذات تو نشناخته گفتند خدایی
پس چه گویند گر از طلعت زیبا که تو داری	پرده برداری و آن گونه که هستی بنمایی

(همان، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۸۶)

در نمونه‌ای مطول که چند بیت آن نقل میشود نیز به صور گوناگون شاهد خداانگاری آن امام هستیم:

مبین غیر از علی پیدا و پنهان	که در غیب و شهادت جز علی نیست
مجو غیر از علی در کعبه و دیر	که هفتاد و دو ملت جز علی نیست
چه باک از آتش دوزخ که در حشر	قسیم نار و جنب جز علی نیست
اگر کفر است اگر ایمان بگو فاش	که در روز قیامت جز علی نیست

(مجاهدی، ۱۳۷۲: ۵۹، ۶۰)

این نمونه و مشابهاتش که بسیار هم هستند، هرچند که مصداق خداانگاری هستند، اما مفید وحدتند. صغیر اصفهانی نیز به همین شیوه، امام علی (ع) را همان الله میداند و الله را نیز همان علی (ع) میداند و با این تعبیر، خداانگاری صغیر اصفهانی، همراه با توحید است:

در مذهب عارفان آگاه الله علی، علی است الله
(صغیر اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۷۱)

حال آنکه برخی از نمونه‌های خداانگاری، مفید چندخداییند:

پیش از تو، هیچ خدایی را ندیده بودم

که پای‌افزاری وصله‌دار به پا کند (موسوی گرمارودی، ۱۳۹۲: ۶)

گاه خداانگاری، شکل‌های ظریف‌تر پیدا میکند. میرزا حبیب خراسانی، ضمن آنکه امام علی (ع) را خود خدا نمیداند، اما از خدا هم جدا نمیداند و قائل به هم‌ترازی وی با خداست:

بی‌پرده بگو علی خدا نیست لیکن ز خدای هم جدا نیست
(مجاهدی، ۱۳۷۲: ۶۵)

اگر گویی علی عین خدا نیست بگو نیز از خدا هرگز جدا نیست
(همان: ۶۰)

و در این نمونه نیز خداانگاری با بیانی پارادوکسیکال حاصل میشود:

گفتند علی خداست، گفتیم که نه این کفر چقدر کفر شیرینی شد
(لشکری، ۱۳۹۲)

و در این نمونه هم که بیش از مدح به طنز پهلوی میزند، خدا بودن علی (ع)، حقیقتی انکارناپذیر انگاشته شده و تنها مشکل، آن است که خود حضرت، این حقیقت را انکار میکند:

تو خداوند منی طفره نرو لو رفتی شب معراج نبی دیده تو را جای خدا
(قربانی، ۱۳۹۵)

خداانگاری از مجرای ملزومات و متعلقات

گاه غلو در خداانگاری، مستقیماً خود شخص را نشانه نمیگیرد، بلکه از مجرای ملزومات و متعلقات وی این هدف حاصل میشود. برای نمونه، در این رباعی به قیاس بالاتر بودن بارگاه نجف از کعبه، بالاتر بودن حضرت علی (ع) از خداوند استنباط میشود و اگر خداانگاری، اشد درجات غلو باشد، امثال این رباعی را میتوان اشد درجات خداانگاری دانست:

ایوان نجف عجب صفایی دارد حیدر بنگر چه بارگاهی دارد
ای کعبه به خود مناز از روی شرف جایث بنشین که هرکه جایی دارد
(علامه، ۱۳۸۱: ۱۲۷)

در این بیت از لطف‌الله نیشابوری نیز دلیل کافی وجوب طواف کعبه، نه تعلقش به خداوند و شهرتش بعنوان خانه خدا بلکه تولد علی (ع) در آن معرفی میشود:

طواف خانه کعبه از آن شد بر همه واجب که آنجا در وجود آمد علی بن ابی‌طالب
(مستنبط، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۳۴)

صغیر اصفهانی نیز تولد یا به تعبیر وی، ظهور علی (ع) در کعبه را مبنا قرار داده‌است تا از شهرت «خانه خدا» و گذر ذهن به «خانه علی»، هدف خداانگاری حاصل شود:

در کعبه ظهور کرد تا بر همه کس معلوم شود که صاحب خانه علی است
(صغیر اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۳۷)

غلو تفویض

تفویض به مانند خداانگاری، از اشد درجات غلو در عقاید دینی است، اما تفاوت آن با خداانگاری، همان تفاوت غلو ذاتی و غلو صفاتی است. خداانگاری، غلوی است که ممدوح را خدا بدانند. در برابر، تفویض، غلوی است که ممدوح را خدا نمایند، اما همه یا برخی از صفات خدا را به وی منسوب دارند، باورمندان به چنین غلوی را غلات مفوضه مینامند (بحار الانوار، ج ۲۵: ۳۲۹). تفویض اگرچه جدا از خداانگاری ذاتی است، اما مستلزم گونه‌ای از خداانگاری صفاتی است و از سنخ غلوهای الحادی دانسته شده‌است (عیون اخبار الرضا، ج ۱: ۲۱۹) و شیعیان از ارتباط با مفوضه منع شده‌اند (بحار الانوار، ج ۲۵: ۳۲۸).

تفویض در شعر آیینی فارسی، حضوری گسترده دارد. اسناد دآوری روز قیامت به معصومان (ع) که ماهیتاً جدا از پدیده پذیرفته‌شده شفاعت است، از شایع‌ترین نمونه‌های غلو تفویض است. در این بیت از محمدحسن حاجب، غلو تفویض با گونه‌ای دیگر از غلو یعنی غلو اباحه‌گری آمیخته شده‌است:

حاجب اگر محاسبه حشر با علی است من ضامنم تو هرچه که خواهی گناه کن
(رحمتی شهرضا، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۶۷)

صورت دیگر تفویض، انتساب قسام بهشت و دوزخ بودن به امام علی (ع) است:

قسام بهشت و دوزخ آن عقده‌گشای ما را نگذارد که درآیم ز پای
تا کی بود این گرگ‌ربایی، بنمای سرینجه دشمن‌افکن ای شیر خدای
(دیوان حافظ شیرازی: رباعیات)

قسام بودن، صورتهای دیگر نیز دارد، از جمله واگذاری ملکیت و مالکیت بهشت به علی (ع) که به هر کس خواهد، عطا کند:

با دست ولا درب جنان کوبیدم از حلقه در نام علی بشنیدم
یعنی که خداوند جهان فرماید در بست جنان را به علی بخشیدم
(مستنبط، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۳۲)

وحشی بافقی، صفت آفریدگاری را به علی (ع) اسناد میدهد:

علی ولی، والی ملک هستی به دانش بنای جهان راست بانی
(دیوان وحشی بافقی: قصاید)

صغیر اصفهانی نیز صفت آفریدگاری را به علی (ع) منسوب میکند:

هرچه می‌آید از عدم به وجود به لسانی بدین سخن گویاست
که بنای وجود را بانی نیست غیر از علی عمرانی
(صغیر اصفهانی، ۱۳۶۶: ۱۶۱)

نیز صغیر اصفهانی در سروده‌ای مفصل، آمیزه‌ای از انواع خداانگاری و تفویض را درباره امام علی (ع) بیان میدارد. برخی از این تفویضها عبارتند از:

به مه و مهر و ثابت و سیار	آن که بخشد ضیا علی است علی
یک بنا بیش نیست هر دو جهان	بانی آن بنا علی است علی
آن که هر سال میکند تبدیل	فصل صیف و شتا علی است علی
آن که فرمود من به ارض و سما	خالقم بر ملا، علی است علی

(همان: ۸۲)

غلو اباحه

غلو اباحه یا غلو اباحه‌گری، غلو در مباح دانستن امور است در حدی که به منهیات نیز سرایت کند و غالی، خود را فارغ از تکالیف و قیودی بداند که شرع برای انسانها تعیین کرده‌است. غالیان، معرفت و محبت به معصومان (ع) را سبب رستگاری و تنها سبب رستگاری میدانند و هر کس دارای این معرفت و محبت باشد، آزاد است هر چه خواهد، کند (المقالات و الفرق: ۳۹). اباحیان، به جهتی از فرق تأویلگرا نیز هستند. تأویل آنان از آیات قرآن چنین است که امر و نهی در قرآن، تنها ظاهر است و باید به باطن آن رسید. آنچه به آن امر شده، فعل خاصی نیست، بلکه شخصی است که باید به او تولی جست و آنچه نیز از آن نهی شده‌است، باز فعل نیست بلکه شخصی است که باید از او تبری جست، پس مغز محتوای قرآن، حبّ علی (ع) و آل او و بغض دشمنان اوست و هر کس این دو عمل را انجام دهد، به قرآن کریم عمل نموده و تکلیفی دیگر ندارد (همان: ۵۳). نیز غالیان معتقد به درجات تکالیف به تبع درجات انسانها هستند. رعایت تکالیف برای انسانهای مبتدی است تا از شرّ خصم و شیطان در امان مانند و آماده محبت و معرفت امام (ع) شوند و هنگامی که به درجه محبت و معرفت امام رسیدند، از شرّ شیطان نیز در امان هستند و دیگر نیازی به ادای تکلیف شرعی ندارند و بلکه در ارتکاب هر امری آزادند، زیرا تکلیفی بر آنان نیست (فرق الشیعه: ۱۲۳). رهبران غلات از عنوان معرفت و محبت معصومان (ع) برای خویش ابزار گرمی بازار در چشم عوام میساختند، در حالیکه معصومان (ع)، آنان را لعن و شیعیان را از همنشینی با آنان، نهی کرده‌اند (علل الشرایع، ج ۱: ۱۲۷). همچنین غلو اباحه‌گری را میباید جدا از غلو در شفاعت که از سنخ غلو در صفات است، دانست. در غلو اباحه‌گری، شخص محبّ، آزاد از تکلیف است، اما در غلو شفاعت، تکلیف و مسئولیت محب، محفوظ است. در این رباعی، این باور غالیان اباحی تبیین شده‌است که اوامر قرآن، محبت علی (ع) است و منهیات قرآن، تبری از خصم وی است و این دو عمل، موجب رستگاری است:

از امر خدا و احمد نیک‌سرشت	بر سر در باغ خلد، جبریل نوشت
بر خصم علی ورود اکیداً ممنوع	چون جای محبّ مرتضی است بهشت

(مستنبط، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۴۴)

در این رباعی نیز بهشت برای یاران علی تضمین شده‌است:

یک حلقه به باب جنت آویزان است	دائم به علی، علی‌علی‌گویان است
این شاهد آن است که دربست بهشت	مختص علی و جمله یاران است

(همان: ۲۳۲)

این نمونه نیز ضمن خداانگاری، مفید بخشی از باورهای اهل اباحه است که امر به تکلیف را در قرآن کریم، امر به محبت معصومان (ع) میدانند:

ای دل فضایل اسدالله طاعت است مدح علی و آل، شنیدن عبادت است
بودن به ذکر حیدر کرار یک نفس حقاً که در مقابل صد سال طاعت است
(همان، ج ۲: ۱۳)

در این نمونه نیز تفویض داوری، موجب اباحه شده است:

حاجب اگر محاسبه حشر با علی است من ضامنم تو هرچه که خواهی گناه کن
(رحمتی شهرضا، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۳۰)

غلو فضایل

یکی دیگر از شیوه‌های غلو، غلو در فضایل است. در غلو فضایل، غالی در تحسین یکی از اوصاف حسن ممدوح، افراط و زیاده‌روی میکند و درجات آن صفت را در ممدوح ارتفاع میبخشد. این غلو را به حسب ماهیت میتوان از زمره غلو صفاتی دانست، اما این امکان هست که در درجات شدیدش منجر به خداانگاری شود که از زمره غلوهای ذاتی است. همچنین غلو فضایل ضمن شباهتش به غلو تفویض، با آن متفاوت است. در غلو تفویض، مبنای غلو، اسناد صفت حسن به شخص است که دراصل متعلق به او نیست، اما در غلو فضایل، صفت در اصل متعلق به شخص است، اما در درجات آن افراط شده است.

غلو در شفاعت

غلو در شفاعت از برجسته‌ترین غلوهای فضایل درباره معصومان (ع) است. شفاعت به معنی میانجیگری برای اسقاط عقاب از مستحقش، از مفاهیم رایج مورد بحث در میان مسلمانان است. خداوند در ۲۴ آیه از قرآن کریم از شفاعت سخن گفته است. این ویژگی، فضیلتی است که خداوند به فرشتگان (یونس: ۳)، انبیا (ع)، علمای دین و شهدا اعطا کرده است (بحار الانوار، ج ۸: ۳۴). درباره ماهیت شفاعت و حدود آن، بحثهای بسیار در فرق اسلامی جریان داشته است، اما شیعه در اینکه اهل بیت اطهار (ع) دارای این فضیلت هستند، اجماع دارند (التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ۲۱۴). غلو در شفاعت متفاوت با غلو اباحه‌گری است. در غلو شفاعت، اصل گناهکار بودن محب، پذیرفته شده است، اما در غلو اباحه‌گری، آنچه از محب سر زده، گناه به شمار نمی‌آید.

رحیمی تبریزی در این رباعی، همه گناهان خویش را به سبب ولایت علی (ع) بخشیده میداند:

چون نامه جرم ما به هم پیچیدند بردند به میزان عمل سنجیدند
بیش از همه کس گناه ما بود ولی ما را به محبت علی بخشیدند
(تحفه سامی: ۷۴)

و همین مضمون را عرفی شیرازی به بیانی دیگر میسراید:

نه در پناه ولای توام؟ چه غم که بود معاصی‌ام نه به اندازه قیاس و شمار
(دیوان عرفی شیرازی، ج ۲: قصاید)

و حتی این غلو را برای نجات ابلیس از لعنت نیز به کار میگیرد:

وگر ولای تو ابلیس را شود زورق کشد ز ورطه لعنت به یک نفس به کنار
(همان)

غلو در دیگر فضایل

غلو در فضایل، نموده‌های بسیار دارد از قبیل غلو در صفات حسنی چون علم، شجاعت، سخاوت، قدرت و گاه حتی جعل برخی فضایل مانند اژدهاکشی در گهواره. گاه نیز غلو در فضایل، به فضیلتی خاص اشاره ندارد، اما شاعر در مجموع، مقام ممدوح را بسیار بالا میبرد، مانند این نمونه‌ها که شاعر، اسناد بشریت به امام علی (ع) را رد میکند یا محل تردید میداند، در حالیکه آن امام و دیگر ائمه اطهار (ع) چنین سخنانی را درباره خویش نهی کرده‌اند (بحار الانوار، ج ۲۵: ۲۷۴، ۹۲۷):

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را
(شهریار، ۱۳۴۲، ج ۱: ۳)
در جهانی همه شور و همه شر هل علی بشر کیف بشر
(همان، ج ۲: ۴۳)

و در این بیت طغرای مشهدی نیز امام علی (ع)، تسخیرکننده جهان با مهر خوانده شده‌است، در حالیکه درواقع امر چنین پدیده‌ای رخ نداده‌است. نیز از مصرع دوم، بالاتر بودن و بیشتر بودن مرتبت و فضایل آن حضرت از پیامبر اکرم (ص) استنباط میشود:

آفاق را به مهر مسخر کند علی بی جبرئیل، کار پیمبر کند علی
(صحتی سرورودی، ۱۳۸۹: ۷)

بالاتر بردن فضایل امام علی (ع) از پیامبر اسلام (ص) گاه صورت شاعرانه‌تر و غیرمستقیم به خود میگیرد، مانند این بیت که پیامبر اسلام (ع)، جسمانی و دارای سایه تصویر شده و علت اینکه در عمل، بدون سایه است، چنین تبیین شده که همراه او یعنی علی (ع) آفتاب است:

سایه پیغمبر ندارد هیچ میدانی چرا؟ آفتابی چون علی در سایه پیغمبر است
(مستنبط، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۷۳)

نیز غلو در فضایل گاه آنقدر از مایه‌های اندیشه‌ای تهی میگردد که بیشتر به لطیفه‌ای متناقض شبیه میشود، مانند این بیت از غزلی که از سنخ مشهورات است و بیشتر ابیاتش مانند همین بیت مشتمل بر غلو فضایل است به شیوه‌ای که نه تنها مفید هیچ حسنی نیست، بلکه در گنه خود موجب انکار و وهن است:

به فرقش کی اثر میکرد شمشیر گمانم ابن ملجم یاعلی گفت

غلو تشبیه و تبدیل

غلو تشبیه و تبدیل، شیوه‌ای دیگر در غلو است که شاعر، ممدوح را شبیه یا بدل کسی یا چیزی دیگر میبیند بگونه‌ای که این تشبیه و تبدیل مبتنی بر زیاده‌روی و حتی گزافه‌گویی باشد. غلو تشبیه و تبدیل درباره امام علی (ع) دامنه‌ای فراخ دارد و سوی مقابل امام میتواند خداوند، پیغمبر اسلام (ص) و انبوهی از انبیای عظام (ع) باشند:

علی آدم، علی شیث و علی نوح که در روز نبوت جز علی نیست
علی احمد، علی موسی و عیسی که در اطوار خلقت جز علی نیست
اگر گویی علی عین خدا نیست بگو نیز از خدا هرگز جدا نیست
(مجاهدی، ۱۳۷۲: ۶۰)

غلو خوارداشت

غلو تنها در سوی مثبت و معادل ارتفاع‌بخشی حسنات نیست، بلکه گاه معادل یا منجر به خوارداشت خود یا دیگران می‌شود و گاه حتی غلو، شامل اوصافی می‌شود که برای خود ممدوح نیز حسن نیست و اگر بدرستی بررسی‌شده شود، موجب وهن ممدوح است.

بزرگداشت و غلو در فضایل اهل بیت (ع)، گاه به کوچک‌داشت دیگران منجر می‌شود و انبیا (ع) و شخصیت‌های نیک‌نام ادیان نیز از این پدیده معاف نشده‌اند:

مرآت ذات حق تویی وجه الله مطلق تویی کهرت غلام درگهت صدها سلیمان یا علی
(فراهی کاشانی، ۱۳۷۸: ۴)

گاه نیز شاعر، غلو خویش را بسیار شیرین و بدیع می‌پندارد، در حالیکه شأن معصوم (ع) را به درجه شخصی تقلیل می‌دهد که پایبند عهد نیست و باید از او قول و وثیقه گرفت که مبدا خلف وعده کند:

آن روز که نامۀ مرا میخوانند خود را نکشی کنار، ما را بپذیر
(غزل مرثیه، ۱۳۸۸: ۱۵)

نمونه‌های خوارداشت خویش از طریق اسناد صفات سوء به خویش یا اعتراف به اینکه شاعر در مقابل معصوم (ع)، جانوری بیش نیست، بسیار فراوان است. صغیر اصفهانی، خویش را کلب حضرت علی (ع) می‌خواند:

یا علی کلب پناهنده به کوی تو صغیر نیست غیر از تو امیدش به صغیر و به کبیر
(صغیر اصفهانی، ۱۳۶۶: ۱۱۳)

خوارداشت بطور عام و جانورپنداری به شکل خاص در سروده‌های سالهای اخیر بیشتر هم شده و صورتهایی سخیف یافته و به گفته‌هایی رسیده‌است که افزون بر خالی بودن از خلاقیت‌های شاعری، صفت حسنی را نیز متوجه امام علی (ع) نمی‌کند:

کار از جنون و مستی و دیوانگی گذشت یک دم علی‌علی نکنم هار می‌شوم
(قاسمی، ۱۳۸۹)

نتیجه‌گیری

غلو از شگردهای مهم ادبی است که میتوان آن را جزئی از فرایندهای ذهنی و روانی بشر دانست. این پدیده در شعر، حضور گسترده دارد و در علوم دینی نیز محل توجه و بحث است. غلو در ادبیات، اشد درجات مبالغه است، بگونه‌ای که پدیده‌ای چنان توصیف شود که عقل، امکان آن را نپذیرد، اما در علوم دینی، غلو را هرگونه زیاده‌روی دانسته‌اند، اعم از آنکه دقیقاً غلو مرسوم در ادبیات باشد یا درجات فروتر از آن. نخستین اشاره به غلو در تاریخ اسلام، مسئله «غلو در دین» است که در قرآن کریم و احادیث نبوی بدان اشاره رفته‌است و آن را موجب گمراهی دانسته‌اند. ائمه اطهار (ع) نیز غلو را تقبیح کرده‌اند و مخصوصاً غلو منجر به فساد عقیده را نهی کرده و چنین غالیانی را لعن نموده‌اند، با این حال وجود مبارک خود ائمه (ع) بویژه امام علی (ع) از همان صدر اسلام موضوع غلو بوده‌است. در شعر آیینی فارسی، غلو درباره امام علی (ع) از دیرباز رواج داشته‌است. این غلوهای شعری، گاه به شیوه‌ای هستند که جنبه الحادی دارند و گاه بی‌آنکه از جنس الحاد باشند، درجاتی از فساد عقیده را نشان می‌دهند و هرچند که زاده عشق و علاقه گویندگان به آن وجودهای گرامی هستند، اغلب ریشه در ضعف دانش و بینش دارند. غلو درباره امام علی (ع) در شعر آیینی فارسی، شیوه‌های گوناگون دارد، اما مهمترین آنها، خداانگاری، تفویض، اباحه‌گری، غلو در فضایل، تشبیه و تبدیل، غلو خوارداشت و برخی دیگر از شیوه‌های غلو هستند. بیشترین

نمونه‌های غلوهای شعر دربارۀ امام علی (ع) را میتوان از جنس غلو خداانگاری، غلو تفویض و غلو فضایل دانست. شیوه‌های غلو، تفاوت قاطع ندارند و گاه در نمونه‌های شعری، هم‌پوشانی دارند، چنانکه غلو در خداانگاری و غلو در تفویض در بسیاری از مواقع منجر به غلو در اباحه‌گری هستند. همچنین اگر بیشتر غلوها ترکیبی از شدت عشق و ضعف دانش هستند، برخی از آنها مانند غلو در خوارداشت، قرینه‌ای بر انحطاط در شخص و شخصیت‌گوینده یا دال بر حدوث اوضاع فرهنگی ویژه در جامعه است که بررسی آن، مجال و مقاله‌ای مستقل میطلبد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله، حاصل تلاش مشترک دکتر ابراهیم واشقانی فراهانی، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور و دکتر میثم اکبرزاده، استادیار پروه الهیات آن دانشگاه است. نگارش بخشهای مذهبی بحث غلو و گردآوری شماری از شواهد شعری، بر عهده دکتر اکبرزاده بوده و نگارش بخشهای ادبی و زبانی غلو و گردآوری بخشی دیگر از شواهد شعری، بر عهده دکتر ابراهیم واشقانی فراهانی بوده است. تلفیق مباحث و نگارش شکل نهایی مقاله نیز از دکتر ابراهیم واشقانی فراهانی است.

تشکر و قدردانی

بر خود لازم میدانیم از بلندنظری و لطف دکتر سیدعلی علم‌الهدی، استاد گروه الهیات دانشگاه پیام نور که در رفع برخی شبهه‌ها در مباحث نظری و داوری نوع غلو در برخی از شواهد شعری، یاریگر نویسندگان بودند، سپاسگزاری مصمیمانه نماییم.

عدم تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول (دکتر ابراهیم واشقانی فراهانی) است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- *The Holy Quran*.
- Allameh, Muhammad. (20022). *Memories of 60 years of service at the threshold of ahl e Bayt, peace be upon him*. Tehran: Afaq.
- Ash'ari, Saad bin Abdullah. (1963). *Articles and differences*. Tehran: Atai.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1998). *dictionary*. Tehran: University of Tehran.
- *Elegy poem*. (2008). A collection of Ashurai ghazals by young poets. Tehran: Aram Del.
- Farahi Kashani, Dear God. (1998). *Chavosh Azza* Kashan: New Kashan.
- Ghasemi, Vahid. (2019). *Database of Ritual Poems* (<https://mohsenebrahimipoor.blogspotsky.com>). Updated on 3/12/2019.

- Ghorbani, Reza. (2015). Poetry of prayers of Amir al-Mominin Ali (AS). *Hadith Ashk database* (<https://hadithashk.com>). Updated on 12/11/2015.
- Hafez Shirazi, Shamsuddin Mohammad. (2011). *Diwan e Hafez Shirazi*. From the Ghani and Qazvini version. Tehran: Payam Adalat.
- Homaei, Jalaluddin. (2010). *Rhetoric techniques and literary industries*. First Edition. Tehran: Ahura.
- Ibn Abi al-Hadid, Abu Hamid. (1998). *Description of Nahj al-Balagha*. Qom: Publications of Ayatollah Marashi Najafi Library.
- Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali. (2007). *The causes of Shari'ah*. Najaf: Al-Maktaba Al-Haydariyyah.
- _____. (1984). *oyun Akhbar al-Reza (AS)*. Beirut: Al-Alami Press Institute.
- Ibn Hanbal, Ahmad. (2009). *Musnad*. Beirut: Dar al-Fekr.
- Ibn Manzoor, Jamaluddin Abulfazl. (1985). *Arabic language* Qom: Adab Al-Hawza Publishing House.
- Johari, Ismaeil bin Hammad. (1987). *Sehahe Tajollogha and Sehaha al-Arabiyyah*. Ahmad bin Abdul Ghafoor Attar's research. Beirut: Dar Al-elm Lelmalaen.
- Khatib Qazvini, Muhammad bin Abdul Rahman. (1949). *Al-Izah in the science of rhetoric*. Commentary and suspension of Muhammad bin Abd al-Moneim al-Khafaji. Cairo: Al-Maktab Al-Azhariyya.
- Lashkari, Majid. (2012). Amirul Momineen, peace be upon him. *Hadith Ashk database* (<https://hadithashk.com>). Updated on 28/7/2013.
- Madani Shirazi, Sadruddin Ali bin Ahmad. (2009). *Anwar Al Rabi* Najaf Ashraf: Noman Press.
- Majlesi, Mohammad Bagher. (2007). *Bihar Al-Anwar fourth edition*. Qom: Islamia.
- Modrresi Tabatabaei, Hossein. (2007). *School in the process of evolution*. Translated by Hashem Izadpanah. Tehran: Kavir.
- Mohammadzadeh, Marzieh. (2012). *Analysis of Ashura poems of the era of the Islamic revolution*. book review No. 67 - 68.
- Mostanbat, Seyyed Ahmad. (2002). *A drop from the sea of virtues of the Ahl al-Bayt, peace be upon them (Vol. 1)*. Translated by Mohammad Hossein Rahimian. Qom: Haziq.
- _____. (2004). *A drop from the sea of virtues of the Ahl al-Bayt (peace be upon them) (Vol. 2)*. Translated by Mohammad Hossein Rahimian. Qom: Haziq.
- Mousavi Garmaroudi, Seyyed Ali. (2012). In the shade of the palm tree of Velayat. *Information newspaper*. No. 25706. p. 6.
- Mojahidi, Mohammad Ali. (1993). *In the gathering of clerics*. First Edition. Qom: Migration.

- Nezami arozodi, Ahmad bin Omar Samarkandi. (1948). *Four articles*. By the efforts of Mohammad Qazvini and Qasem Ghani. Tehran: Armaghan.
- Nezami Ganjavi, Elias bin Yusof. (1934). *Leyli & Majnoon*. Edited by Vahid Tasgardi. Tehran: Armaghan.
- Nobakhti, Abu Muhammad Hasan bin Musa. (2009). *Feraq al-Shia* Notes from Seyyed Mohammad Sadiq Bahrul Uloom. fourth edition. Najaf: Maktaba Al-Haidariyya.
- Onsorolmaali, Kaykavus Ziari. (1933). *Qaboosnameh* Tehran: Majlis.
- Orfi Shirazi, Jamalodin Mohammad. (2000). *Kolliyat e diwan e Orfi Shirazi*. from Mohammad Vliolhagh Ansari. Tehran: University of Tehran.
- Qobadi, Maryam and Mahdavid, Mohammad Ali (2007). Recognition of Gholu's thought. *Islamic studies*. No. 78. pp. 109-146.
- Radavyani, Muhammad bin Omar. (1948). *Interpreter of Balagha*. Corrected by Ahmed Atesh. Istanbul.
- Rahmati Shahreza, Mohammad. (2010). *The treasure of knowledge (Vol. 1)*. Qom: Victory morning.
- _____ . (2011). *The treasure of knowledge (Vol. 2)*. Qom: Victory morning.
- Saghir Esfahani, Mohammad Hossein. (1987). *Diwan Saghir Isfahani*. 15th edition Isfahan: Small.
- Sam mirza (2010). *Sami gift*. By the efforts of Ahmad Madghaq Tabrizi. First Edition. Tehran: Sami.
- Shajari, Reza and Arabshahi Kashi, Elham. (2022). Traces of hypocrisy in the ritual poetry of Persian poets (from the 6th century to the present with an emphasis on Kashani poets). *Literary Research Quarterly*, No. 76, pp. 116-89.
- Shamsol Ulama Gerkani, Mohammad Hossein. (1998). *Innovators. First Edition*. Tabriz: Ahrar Tabriz.
- Shaybi, Kamel Mustafa. (1982). *The connection between Sufism and Shiism*. Third edition. Beirut: Dar Al-Andalus for printing and publishing.
- Shahryar, Mohammad Hossein Behjat Tabrizi. (1963). *The generalities of the divan*. Tehran: Khayyam.
- Sharatoni, Saeed. (1998). *The closest sources are Fashah al-Arabiya and al-Shaward*. Tehran: General Department of Hajj, Awqaf and Charitable Affairs.
- Sheikh e Mofid, Muhammad bin Mohd. (1993). *Correction of belief*. First edition, Qom: The World Conference on the occasion of Alfiyyah al-Sheikh al-Mufid.
- Sheikh e Tusi, Muhammad bin Hassan. (2010). *Al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an*. First Edition. Qom: Al El Bayt.
- Towhidi, Amir and Matin Niko, Homan. (2011). Another look at the issue of gluttony. *Quran and Hadith research paper*. No. 9. pp. 87-104.

- Vahidzadeh, Mohammadreza. (2012). *Ashurai ritual poetry and its slips (with a look at the collection of books of "Elegy Ghazal" from Aram Del Publications). book review Nos. 67 and 68. pp. 51-86.*
- Vahidian Kamiyar, Taghi. (2006). *Badie: from an aesthetic point of view. second edition. Tehran: Samt.*
- Vahshi Bafghi. (1977). *Diwan e Vahshi Bafghi. from the Hoseyn Nakhaei. fifth edition. Tehran: Amir kabir.*

فهرست منابع فارسی

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، ابو حامد. (۱۳۷۷ق.). شرح نهج البلاغه. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۶ق.). علل الشرایع. نجف: المکتبه الحیدریه.
- _____ . (۱۴۰۴ق.). عیون اخبار الرضا (ع). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن حنبل، احمد. (۱۴۳۰). مسند. بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل. (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه.
- اشعری، سعد بن عبدالله. (۱۹۶۳م.). المقالات و الفرق. تهران: عطایی.
- توحیدی، امیر و متین نیکو، هومن. (۱۳۹۰). «نگاهی دیگر به مبحث غلو». پژوهشنامه قرآن و حدیث. شماره ۹. صص ۸۷-۱۰۴.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه. تحقیق احمد بن عبدالغفور عطار. بیروت: دار العلم للملایین.
- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد. (۱۳۹۰). دیوان حافظ شیرازی. از روی نسخه غنی و قزوینی. تهران: پیام عدالت.
- خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن. (۱۹۴۹). الايضاح فی علوم البلاغه. شرح و تعلیق محمد بن عبدالمنعم الخفاجی. قاهره: المکتبه الازهریه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- رادویانی، محمد بن عمر. (۱۹۴۸). ترجمان البلاغه. تصحیح احمد آتش. استانبول.
- رحمتی شهرضا، محمد. (۱۳۸۹). گنجینه معارف (ج ۱). قم: صبح پیروزی.
- _____ . (۱۳۹۰). گنجینه معارف (ج ۲). قم: صبح پیروزی.
- سام میرزا. (۱۳۸۹). تحفه سامی. به کوشش احمد مدقق تبریزی. چاپ اول. تهران: سامی.
- شجری، رضا و عربشاهی کاشی، الهام. (۱۴۰۱). «ردپای غلو در شعر آیینی شاعران فارسی سرا (از سده ششم تا معاصر با تأکید بر شاعران کاشانی)». فصلنامه پژوهش‌های ادبی. شماره ۷۶. صص ۸۹-۱۱۶.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۹). التبیان فی تفسیر القرآن. چاپ اول. قم: آل البيت.
- شرتونی، سعید. (۱۳۷۷). اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد. تهران: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه.

- شیعی، کامل مصطفی. (۱۹۸۲م). *الصله بین التصوف و الشیعه*. چاپ سوم. بیروت: دار الاندلس للطباعة و النشر و التوزیع.
- شیخ مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *تصحیح الاعتقاد*. چاپ اول، قم: المؤتمر العالمی بمناسبه ذکر الفیه الشیخ المفید.
- شمس‌العلماء گرکانی، محمدحسین. (۱۳۷۷). *ابدع البدیع*. چاپ اول. تبریز: احرار تبریز.
- شهریار، محمدحسین بهجت تبریزی. (۱۳۴۲). *کلیات دیوان*. تهران: خیام.
- صغیر اصفهانی، محمدحسین. (۱۳۶۶). *دیوان صغیر اصفهانی*. چاپ پانزدهم. اصفهان: صغیر.
- علامه، محمد. (۱۳۸۱). *خاطرات ۶۰ سال خدمت‌گزاری در آستان هلال بیت علیهم‌السلام*. تهران: آفاق.
- عرفی شیرازی، جمال‌الدین محمد. (۱۳۷۸). *کلیات دیوان عرفی شیرازی*. به کوشش محمد ولی‌الحق انصاری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عنصرالمعالی، کیکاووس زیاری. (۱۳۱۲). *قابوسنامه*. تهران: مجلس.
- غزل مرثیه. (۱۳۸۸). *گزیده غزل‌های عاشورایی شاعران جوان*. تهران: آرام دل.
- فراهی کاشانی، عزیز الله. (۱۳۷۸). *چاوش عزرا*. کاشان: کاشان نو.
- قاسمی، وحید. (۱۳۳۸۹). *پایگاه اشعار آیینی* (<https://mohsenebrahimipoor.blogspot.com>). به روزرسانی شده در ۱۳۸۹/۱۲/۳.
- قبادی، مریم و مهدوی‌راد، محمدعلی. (۱۳۸۶). «بازشناسی اندیشه غلو». *مطالعات اسلامی*. شماره ۷۸. صص ۱۰۹-۱۴۶.
- قربانی، رضا. (۱۳۹۵). «شعر مناجات امیرالمومنین علی (ع)». *پایگاه حدیث اشک* (<https://hadithashk.com>). به روزرسانی شده در ۱۳۹۵/۱۱/۱۲.
- لشکری، مجید. (۱۳۹۲). «امیرالمومنین علیه السلام». *پایگاه حدیث اشک* (<https://hadithashk.com>). به روزرسانی شده در ۱۳۹۲/۷/۲۸.
- مجاهدی، محمدعلی. (۱۳۷۲). *در محفل روحانیان*. چاپ اول. قم: هجرت.
- محمدزاده، مرضیه. (۱۳۹۲). «تحلیل اشعار عاشورایی عصر انقلاب اسلامی». *کتاب نقد*. شماره ۶۷ و ۶۸.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). *بحار الانوار*. چاپ چهارم. قم: اسلامیه.
- مدرسی طباطبایی، حسین. (۱۳۸۶). *مکتب در فرایند تکامل*. ترجمه هاشم ایزدپناه. تهران: کویر.
- مدنی شیرازی، صدرالدین علی بن احمد. (۱۳۸۸ق). *انوار الربیع*. نجف اشرف: مطبعة نعمان.
- مستنبط، سید احمد. (۱۳۸۱). *قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم‌السلام (ج ۱)*. ترجمه محمدحسین رحیمیان. قم: حاذق.
- _____ . (۱۳۸۳). *قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم‌السلام (ج ۲)*. ترجمه محمدحسین رحیمیان. قم: حاذق.
- موسوی گرم‌رودی، سیدعلی. (۱۳۹۲). «در سایه‌سار نخل ولایت». *روزنامه اطلاعات*. شماره ۲۵۷۰۶. ص ۶.
- نظامی عروضی، احمد بن عمر سمرقندی. (۱۳۲۷). *چهار مقاله*. به کوشش محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران: ارمغان.

- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۱۳). *لیلی و مجنون*. به تصحیح وحید دستگردی. تهران: ارمغان.
- نوبختی، ابومحمد حسن بن موسی. (۱۳۸۸ق). *فرق‌الشیعه*. تعلیقات از سید محمدصادق بحرالعلوم. چاپ چهارم. نجف: مکتبه الحیدریه.
- وحشی بافقی. (۱۳۵۳). *دیوان کامل وحشی بافقی*. به کوشش حسین نخعی. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.
- وحیدزاده، محمدرضا. (۱۳۹۲). «شعر آیینی عاشورایی و لغزش‌های آن (با نگاهی به مجموعه دفاتر «غزل مرثیه» از انتشارات آرام دل)». *کتاب نقد*. شماره‌های ۶۷ و ۶۸. صص ۵۱-۸۶.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۵). *بدیع: از دیدگاه زیبایی‌شناسی*. چاپ دوم. تهران: سمت.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۹). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. چاپ اول. تهران: اهورا.

معرفی نویسندگان

ابراهیم واشقانی فراهانی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: vasheghani1353@pnu.ac.ir)

میثم اکبرزاده: استادیار گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: M_akbarzadeh@pnu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Ebrahim Vasheghani Farahani: Associate Professor of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: vasheghani1353@pnu.ac.ir: Responsible author)

Meysam Akbarzadeh: Assistant Professor of Theology, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: M_akbarzadeh@pnu.ac.ir)